

تقصیر

در قانون مدنی فرانسه

تقصیر موقعی تحقق می پذیرد که شخص عمداً یا از روی بی احتیاطی و بی مبالاتی خسارت خلاف قانونی بدیگری وارد سازد.

قید خلاف قانون برای اینست که ممکن است شخصی بعلمت عدم پیش بینی و یا عمداً خسارتی بدیگری وارد سازد ولی چون عمل را قانون منع نکرده نمیتوان او را مسئول جبران خسارت دانست مثال شغل و کسب مطابق قانون آزاد است هر کس میتواند پهلوی مغازه دیگری مغازه بزرگتر و بهتری باقیمت های ارزاتر باز کرده و همسایه خود را بدین طریق متضرر و یا ورشکست سازد این عمل اگر چه بقصد ضرر رساندن هم صورت گرفته باشد مطابق قانون بوده و نمیتوان تقاضای جبران خسارات نمود در صورتیکه عمل خلاف قانون باشد ولی شخص بعلمت قوه قهریه (فرس مازر) ناچار باجرای آن شده باز تقصیر مرتفع است ولی البته در این صورت باید دلایل وجود قوه قهریه را اقامه نماید.

اقسام تقصیر

تقصیر ممکن است از يك عمل مثبت بوجود آمده باشد مثل مجروح ساختن دیگری بوسیله کارد و یا اینکه در نتیجه غفلت و بی مبالاتی پیش آمده باشد مثل اینکه حریق در خانه شخصی اتفاق افتاده بواسطه سهل انگاری جلوگیری از آن بموقع نمیکند و بخانه همسایه نیز سرایت کرده خساراتی وارد میسازد ولی خواه عمل ایجاد کننده خسارت عمل مثبت و خواه ترك عمل باشد در صورتیکه بشیوه برسد متضمن هیچگونه تقصیری نیست مسئولیت وجود پیدا نخواهد کرد.

ترك عمل هائی که در حکم تقصیر هستند

برای اینکه ترك عملی تقصیر شناخته شود باید

طوری باشد که ترك کننده عمل اصولاً مجبور باقدام بوده ولی از عمل خودداری کرده است.

این اجبار ممکن است در نتیجه امر قانون باشد و یا در نتیجه يك امر اخلاقی که وظائفی بر اشخاص در جامعه تحمیل میکند.

ترك عملی که بقصد ایذاء و آزار دیگری باشد بدون تردید متضمن تقصیر میباشد.

ترك عملی که فقط از روی بی احتیاطی بدون قصد اضرار بعمل آمده باشد نیز تولید مسئولیت میکند زیرا کسی که بایک اقدام کوچک خود ضرر فاحشی را از دیگری میتواند رفع کند و اقدام نکند اخلاقاً و مطابق عرف و عادت مقصر تشخیص میشود البته در این مورد ثبوت مسئولیت بی نهایت مشکل است زیرا از طرفی باید ثابت کرد که شخص پیش بینی خسارت فاحش دیگری را مینموده و از طرف دیگر میدانسته که با مختصر اقدام او جلوگیری از خسارت دیگری امکان پذیر بوده است.

بزه و شبه بزه

تقسیم بزه و شبه بزه از عقاید کلاسیک و در قانون مدنی فرانسه نیز تخصیص داده شده - بزه در صورتی وقوع مییابد که شخص عمداً خسارتی بدیگری وارد سازد در این تعریف کلمه بزه بمعنای جرم تنها گرفته نشده شامل تقصیر مدنی و تقصیر قابل کیفر هر دو می باشد.

هر چند خطای تولید کننده مسئولیت مدنی (خطای عمدی) غالباً جنبه کیفری نیز دارد زیرا قانون کیفر کلیه اعمال انسانی را که عمداً بدیگری زیانی وارد سازد قابل کیفر دانسته مهذا مواردی ممکن است پیش آید که خطای مدنی عمدی قابل کیفر نباشد.

و در سایر موارد یعنی آنجا که عمد در کار نیست
تقصیر را شبه بزه نامند

این تقسیم را غالب قوانین جدید کنار گذاشته و
بمعنی مؤلفین به بیفایده بودن آن معتقدند زیرا مسئولیت
پایه اش بر تقصیر گذارده شده نه بر عمد و غیر آن بعلاوه
جبران خسارت وابسته به میزان ضرر و زیان وارده می باشد
و مربوط به عمد در عمل و یا عدم آن نمی باشد ولی باید
گفت که هر چند عمد در ارتکاب عامل مسئولیت مدنی
نیست و تقصیر بطور کلی باعث ایجاد مسئولیت می باشد
قصد اضرار و عمد در تعیین مسئولیت مدنی بی تاثیر نیستند
تاثیر آن در چند مورد زیر روشن است :

۱ - شخصی که از اختیارات قانونی خود سوء
استفاده نموده و بالتبقیجه زبانی بدیگری وارد سازد چون
از حدود اختیارات خود عمداً تجاوز کرده مسئولیت مدنی
برای او بدون تردید تولید خواهد شد
۲ - موقعیکه عمداً شخصی بدیگری خسارتی
وارد سازد قرار داد بیمه که قبلاً با یک شرکت بیمه
برای جبران خسارات وارده باشخاص منعقد ساخته بی
تاثیر است زیرا شرکت بیمه موقعی مسئولیت را بعهده
میکبرد که عمداً شخص بیمه شده مرتکب اعمال
موجد مسئولیت نشده باشد

۳ - با عمد در اضرار بدیگری هیچ تردیدی در
رابطه علت و معلول بودن بین عمل و خسارت وارده
باقی نمی ماند و دادرس عامل را مجبور بجبران کلیه
خسارات وارده می سازد در صورتی که اگر عمد در
کار نباشد غالباً خسارات کمتری بر عهده عامل گذارده
می شود.

شدت و ضعف تقصیر

دادگاههای فرانسه غالباً در داد نامه خود عمل را
بتقصیر بزرگ و تقصیر کوچک و تقصیر خیلی کوچک
توصیف میکنند منظور از این توصیف تقصیر تشدید و یا
تخفیف مسئولیت از لحاظ تعیین میزان خسارات
وارده می باشد

بعضی از مؤلفین علم حقوق و رویه قضائی فرانسه
تقصیرات بزرگ را در حکم تدلیس دانسته و بدینوسیله
شرط قبلی بر سلب مسئولیت که در عقد و یا قرار داد
شده باشد غیر نافذ میدانند

بررسی تقصیر

۱ - قصد اضرار در تقصیر عمدی شرط نیست - تقصیر
عمدی بطور قطع ایجاب نمی کند که با قصد اضرار
عمل صورت گرفته باشد همیقدر کافی است که خسارت
پیش بینی شده و با علم بتبقیجه عمل خود که وارد شدن
خسارت بدیگری است شخص مرتکب آن گردیده باشد
۲ - اضرار عمدی که تولید مسئولیت نمی کند -

در صورتیکه شخص عمداً بقصد وارد کردن خسارت
بدیگری عملی صورت دهد که مجاز و قانونی باشد تولید
مسئولیت برای او نخواهد شد مثال در امور تجاری رقابت
یک اصل عمده ترقی اقتصادی است اگر در نتیجه رقابت
دیگری شخصی متضرر و یا ورشکست شود نمیتواند
تقاضای جبران خسارت از عامل رقابت بنماید مگر اینکه
ثابت کند که رقابت غیر قانونی و با دسیسه و تقلب توأم
بوده و یا رقابت در مورد مجاز نبوده مثل تجارت اموال
انحصاری دولت و یا مشاغلی که دارندگان آن آئین نامه
های خاصی را باید مراعات کنند و بدون رعایت آن
کسی این مشاغل را انتخاب و در نتیجه بدیگران زیان
وارد سازد

بی احتیاطی و غفلت - در صورتیکه عمداً کسی
بدیگری خسارتی وارد نکرده باشد ایجاد مسئولیت
برای او موقعی میشود که مجبور بوده خسارت را پیش
بینی و از وقوع آن احتراز کند - لزوم پیش بینی البته
موقعی است که خسارت قابل پیش بینی باشد حس پیش
بینی در اشخاص متفاوت است بعضی اشخاص زیرک ترند
و بطور روشن عواقب عمل خود را میفهمند و بعضی
کند فهم ترند رویه قضائی فرانسه برای سنجش وجود
تقصیر حس پیش بینی شخص متوسط را در نظر گرفته
و بعضی خسارات را قابل پیش بینی دانسته اند و بعضی را

غیر قابل پیش بینی تشخیص داده اند البته عیب این رویه اینست که در مورد اشخاص زیرک ارفاق و نسبت با اشخاص کندفهم و کم هوش ظلم میشود

کسی که دارای اطلاعات و یا استعداد زیادی در موضوعی باشد نمیتوان از حیث هوش شخص متوسط او را حساب کرد

اطفال و اشخاص کم خرد را نمیتوان شخص عادی محسوب داشت کمی استعداد دماغی و همچنین کمی تجربه اشخاص برای تخفیف مسئولیت در نظر گرفته شده است. وظیفه احتیاط که بر عهده اشخاص است بعلت لزوم سرعت زیاد در عمل ممکن است تخفیف پیدا کند

همچنانکه احتیاط زیاد نیز ممکن است تولید مسئولیت مدنی کند لازم نیست که خسارت عیسا و بعدی که وارد شده قابل پیش بینی باشد صرف پیش بینی اینکه در نتیجه اقدام و یا ترک عمل خسارتی ممکن است وارد شود برای ثبوت تقصیر کافی است

تخلف از قوانین و آئین نامه ها

مخالفت با قوانین و آئین نامه ها که بالنتیجه خسارتی وارد سازند بخودی خود مثبت تقصیر میباشد مگر اینکه ثابت شود که بین خسارت و عمل رابطه موجود نیست و یا اینکه در نتیجه قوه قهریه شخص ناچار به ارتکاب شده است

دکتر امین فر

مرور زمان و قوانین کیفری

بحث واقع گردد.

ضمنا نباید فراموش نمود که اگر مرور زمان فقط نسبت بجرم از لحاظ مسقط بودن آن نسبت بحق تعقیب قابل توجه است نسبت بتوابع جرم بدون اثر خواهد بود بلکه راجع بامور ناشی از بزه هم مرور زمان ممکن است مسقط واقع شود و هم مملک

اسقاط از نظر باطل شدن حق غیر است و تملك از نظر تنفیذ شدن حق مستفید از مرور زمان. مقصود از توابع جرم حقوقی است اعم از مالی و غیر مالی که از وقوع بزه و گناه حاصل میشود مانند آنکه قسمتی از اموال مقتول درید قاتل باقی میماند و یا بورثه او میرسد و اموال مسروقه بعد از کشف جرم و تعیین کیفر دزد در صورتیکه باید بصاحبش مسترد گردد در حال اختلاف بوده و از تصرف اجنبی خارج نمیشود یا اینکه نسبت بآلات و ادوات جرم که از طرف مهورین کشف بدست آمده و در مخزن محافظت شده چه معامله شایسته است و همینطور حقوق دیگری که بعنوان ضرر و زیان

از جمله اموری که در قوانین کیفری بعد از وقوع و اجرا اثر مهم دارد موضوع مرور زمان است. در کار های کیفری بر خلاف امور مدنی مرور زمان بدو قسم (مسقط و مملک) تقسیم نمیشود زیرا در شخص اثر دارد نه در شیئی

چون امروز اشخاص تابع حقوق مالکیت یکدیگر نسبت بهم نمیباشند در عنوان برده فروشی و بنده داری در کشورهای متمدنه و بلکه عموما در دنیا بر افتاده و نادر اتفاق می افتد که امر برده فروشی و زرخری بیدی بنحو مشروع و قانونی انجام پذیرد (مقصود قوانین خصوصی است که هنوز گاه بگاه در پاره نقاط دور از تمدن دنیا از قدیم باقی مانده و یا بنا بر آداب و رسوم بومی و سرزمینی صورت می گیرد) این است که عنوان مرور زمان نسبت با اشخاص مصداق پیدا نمی کند بالخصوص که زمان از حیث قانون کیفر در فعل اشخاص تاثیر دارد نه در نفس آنها و بنابراین در مورد قوانین کیفری مرور زمان باید از نقطه نظر اسقاط حق اقامه دعوا و تعقیب جزائی مورد